

یادداشت مترجم

روان‌شناسی «دریافت حسی و ادراک» یکی از شاخه‌های اصلی و زیربنایی روان‌شناسی است که مفاهیم و نتایج حاصل از آن مبنا و اساس بسیاری از رشته‌های روان‌شناسی است. داده‌ها و نتایج به دست آمده از این شاخه از روان‌شناسی در همه گرایش‌های روان‌شناسی، مشاوره، روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، روان‌شناسی بالینی و دیگر رشته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

از یک سو، شناخت محدودیت‌های حواس آدمی زمینه بسیاری از تحولات را در صنعت، جنگ، اقتصاد، و آموزش و پرورش فراهم کرده است. این تغییرات را هر روز در اطراف خود مشاهده می‌کنیم. اتومبیل‌ها و دستگاه‌هایی که هر روز با دستگاه‌های حسی ما انطباق بیشتری می‌یابند و قدرت پاسخ‌دهی حواس ما را افزایش می‌دهند، علایم و تابلوهای هشداردهنده‌ای که شکل و رنگشان حواس ما را بهتر به خود جلب می‌کنند از جمله پیشرفت‌هایی‌اند که از این شاخه علمی متأثر بوده‌اند. از سوی دیگر، این شاخه از روان‌شناسی تحقیقات گسترده‌ای را برای فهم آنچه پس از دریافت اطلاعات حسی در مغز رخ می‌دهد - برخی از متخصصان آن را پردازش اطلاعات می‌نامند - به راه انداخته است. این بخش از روان‌شناسی دریافت حسی و ادراک نیز به تحقیقاتی منجر شده است در زمینه ساختن ربات‌های هوشمندی که بتوانند مانند انسان ادراکات مشابهی داشته باشند. این رشته از تحقیقات را شاخه‌ای بین رشته‌ای به نام هوش مصنوعی نامیده‌اند.

برای تدریس درس «احساس و ادراک» در دانشگاه‌های ایران تاکنون چندین کتاب تألیف و ترجمه شده است که هر کدام به نوبه خود موجبات فهم بهتر این شاخه روان‌شناسی را فراهم نموده است. خواننده محترم ممکن است پرسد که دلیل ترجمه کتاب دیگری در این زمینه چه بوده است و چه انگیزه‌هایی در پس چنین کاری وجود داشته است. حقیقت این است که چه زمانی که اینجانب در دانشگاه اصفهان، درس «احساس و ادراک» را در دوره کارشناسی می‌گذراندم، و چه سال‌ها بعد وقتی در دوره دکتری روان‌شناسی دانشگاه لندن پذیرفته شدم و مجبور بودم برای موضوع تحقیقی خود مباحث روان‌شناسی احساس و ادراک را مورد مذاقه قرار دهم، خلأ بزرگی را در کتاب‌هایی که در این زمینه در ایران ترجمه یا تألیف شده بودند حس می‌کردم. یکی از مشکلات عمده این بوده است که در بیشتر این کتاب‌ها، یافته‌ها و داده‌های جدید این شاخه علمی چنان که باید به بحث گذاشته نشده و آموزش داده نشده‌اند. گزینش انتخابی مباحث این درس، و تشریح برخی نکته‌های ساده، و عبور از نکته‌های مهم دیگر که بعضاً مترجم یا مؤلف در مورد آنها اطلاع نداشته است موجب شده است که بخش اعظم مباحث این درس در ایران تدریس نشود. متأسفانه، مباحث حذف شده در این کتاب‌ها از عمده‌ترین تحولات این رشته علمی است که دانشجوی ایرانی را از فهم بسیاری از مباحث جدید روان‌شناسی عقب نگاه می‌دارد. برای نمونه و همان‌طور که در فصل‌های دهم، یازدهم و دوازدهم تشریح شده است، مقوله‌های ادراک لبه‌ها، زمان و حرکت در هیچ‌یک از کتاب‌های ترجمه یا تألیف شده چنان که باید مورد بحث قرار نگرفته‌اند. علاوه بر این، در این کتاب‌ها، آزمایش‌ها و شکل‌ها و نمودارهایی که بتوانند به فهم مباحث دریافت حسی و ادراک کمک کنند بسیار کم‌اند و چه‌بسا این امر موجب شود که دانشجو مفاهیم عمیق این شاخه علمی را به درستی دریافت نکند. با توجه به مشکلات فوق و اهمیت درس «احساس و ادراک» در فهم دیگر درس‌ها و ایجاد انگیزه‌های تحقیقاتی قوی در دانشجویان، تصمیم گرفتم کتاب حاضر را ترجمه کنم. اما، باید اذعان کنم که این کار به راحتی صورت نگرفت و با مشکلات متعددی روبه‌رو شد که موجب طولانی شدن فرایند ترجمه کتاب گردید.

اولین جرقه ذهنی برای ترجمه کتاب زمانی به ذهنم خطور کرد که برای کنفرانس شناخت‌درمانی به شهر کاتربری در

انگلستان رفته بودم و با ورق زدن چاپ پنجم کتاب و کیفیت قابل ملاحظه آن در مقایسه با دیگر کتاب‌ها و مباحثی که در ایران مطالعه کرده بودم توجهم به شدت به آن جلب شد. با وجود این، تا سال ۱۳۸۰ که، برحسب تصادف، ناگهان کرسی درس «روان‌شناسی احساس و ادراک» در بخش روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز بدون مدرّس ماند، آن جرعه ذهنی هیچ‌گاه به تصمیم قاطعی برای ترجمه کتاب مبدّل نشد. ابتدا تمام تلاش خود را کردم که از زیر بار سنگین تدریس درس «روان‌شناسی احساس و ادراک» شانه خالی کنم و با توجه به سمت ریاست بخش روان‌شناسی بالینی، درس را به یکی از همکاران دیگر محول نمایم؛ اما تلاش من با مقاومت سرسختانه همکاران روبه‌رو شد و بالاخره هیچ‌کس زیر بار تدریس این درس نرفت. نهایتاً اینکه، با توجه به علاقه‌مندی به مباحث دریافت حسی و ادراک و ارتباط این مباحث با پایان‌نامه دوره دکتری‌ام، تصمیم گرفتم مسئولیت تدریس این درس را بر عهده بگیرم. برای تدریس درس «احساس و ادراک» مجدداً به کتاب‌های ترجمه یا تألیف شده موجود مراجعه نمودم، ولی به دلیل مشکلاتی که در سطور گذشته توضیح دادم تصمیم گرفتم کتاب حاضر را ترجمه کنم. در آن زمان هنوز چاپ ششم کتاب منتشر نشده بود و از آنجا که ماه‌های فصل تابستان را برای آماده کردن متن درس وقت داشتم، مجبور شدم ترجمه چاپ پنجم کتاب را شروع کنم. با انگیزه قوی‌ای که داشتم، توانستم طی یک سال بیشتر فصل‌های چاپ پنجم را ترجمه کنم، ولی دیری نپایید که چاپ جدید کتاب به بازار آمد. فکر می‌کردم که با خرید چاپ جدید کتاب، ظرف چند ماه می‌توانم تغییرات چاپ جدید را در نسخه فارسی اعمال کنم. اما تغییرات بسیار گسترده بودند و اشتغال به کارهای متعدد و بی‌نتیجه ماندن زحمات قبلی‌ام به دلایلی که به آنها اشاره خواهم کرد، از سرعتم در پیشبرد کار ترجمه کاست. از سوی دیگر، وسوسه به پایان رساندن ترجمه کتاب و کار نیمه‌تمامی که آغاز کرده بودم دائماً مرا می‌آزرد و نهایتاً تصمیم گرفتم به هر شکل ممکن ترجمه کتاب را به اتمام برسانم.

ترجمه کتاب زمانی آغاز شد که در آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی، ترجمه کتاب کار پژوهشی محسوب می‌شد. طی فرایند ترجمه این کتاب، آیین‌نامه ارتقا دو بار تغییر کرد. ابتدا در ۱۳۸۴ ترجمه کتاب به ماده ۳، یعنی فعالیت‌های اجرایی، انتقال یافت، و در ۱۳۸۷ مجدداً به ماده ۲، یعنی فعالیت‌های پژوهشی، منتقل شد. اما این بار، در آیین‌نامه جدید نیز ارزش ترجمه یک کتاب پیچیده و چند صد صفحه‌ای حتی از یک مقاله بسیار ساده که کامل کردن آن تنها یک ماه به طول می‌انجامید، کم‌ارزش‌تر شد!!! این عامل نیز روند ترجمه کتاب را کند کرد؛ زیرا مجبور بودم بیشتر بر محورهای پژوهشی و چاپ مقاله‌های علمی تمرکز کنم.

برای عنوان کتاب، ابتدا «روان‌شناسی احساس و ادراک» را انتخاب کردم و به دلیل آشفتگی مفاهیم «احساس»، معادل کلمه «feeling» و «احساس» معادل کلمه «sensation»، تردید داشتم که چه کلمه‌ای را به کار گیرم. پس از ارسال اثر به سازمان مطالعه و تدوین، استاد ارجمند سرکار خانم دکتر دادستان پیشنهاد دادند که معادل کلمه «sensation» را «دریافت حسی» بگذارم که پیشنهادی منطقی به نظر رسید و به همین دلیل عنوان کتاب را به دریافت حسی و ادراک تغییر دادم. با وجود این، در برخی از قسمت‌های کتاب که نمی‌شد از اصطلاح دریافت حسی استفاده کرد، از همان اصطلاح احساس استفاده شد. این‌گونه استفاده از کلمه احساس به ویژه برای زمانی که کار رفته است که نوع احساس در متن مشخص شده است، مثلاً، «احساس درد» به جای «دریافت حسی درد» که اندکی نامأنوس به نظر می‌رسد. در برخی از موارد نیز به جای کاربرد کلمه احساس، از کلمه حس استفاده شده است؛ مثلاً «رنگ محرک را حس کردم» به جای «رنگ محرک را احساس کردم». با وجود این، باید تأکید کنم - همان‌طور که در فصل اول این اثر ذکر شده است - که نمی‌توان دو اصطلاح «احساس» و «ادراک» را با دقت از یکدیگر جدا کرد و مرز بسیار قاطعی بین آنها معین نمود. این دو اصطلاح در مواردی به جای یکدیگر به کار می‌روند و بر اساس نظر نویسنده کتاب، خوانندگان محترم نباید چندان دغدغه تفکیک دقیق این دو اصطلاح را داشته باشند.

توصیف کتاب حاضر در مقدمه نویسنده آمده است و برای دستیابی به فهمی کلی از آنچه قرار است در این کتاب مطالعه شود خواننده محترم را به مقدمه نویسنده کتاب ارجاع می‌دهم. اما در مورد ویژگی‌های ترجمه کتاب ذکر چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

۱. کتاب اصلی شانزده فصل دارد، ولی چهار فصل آخر، شامل توجه، هوشیاری، تحول و یادگیری و تجربه، ترجمه نشده‌اند. در صورت اقبال مدرّسان درس «احساس و ادراک» از کتاب حاضر این نقص در چاپ‌های بعدی رفع خواهد شد.
۲. برای فهم بهتر مطالب کتاب و تشویق و ترغیب دانشجویان درس «احساس و ادراک» به دست زدن به آزمایش‌های ادراکی، در کتاب، متناسب با هر بحث، کادریایی تعبیه شده‌اند که در آنها دستورالعمل انجام یک آزمایش ادراکی ارائه شده است. مدرّسان محترم می‌توانند انجام این آزمایش‌ها را به عهده دانشجویان بگذارند و از آنان بخواهند که آزمایش‌ها را در ساعت‌های عملی کلاس برای اعضای کلاس انجام دهند و تجربه‌هایشان را تبیین کنند.
۳. در متن اصلی، علاوه بر کادریایی آزمایشی، کادریایی بیوگرافی هم وجود داشتند که در ترجمه حذف شدند. دلیل حذف این کادریا کاستن از حجم کتاب و تأکید بیشتر بر مفاهیم درس بود.
۴. با توجه به تازگی بسیاری از مباحث کتاب، برای برخی از اصطلاحات این درس، واژه معادل فارسی وجود نداشت و مترجم با توجه به فهمی که از بحث به دست آورده است، خود معادل‌هایی را وضع کرده است. بدیهی است که ممکن است در مواردی معادل‌های بهتری وجود داشته باشند که در این صورت خوانندگان محترم می‌توانند از طریق پست عادی یا الکترونیکی، اینجانب را از نظرهای ارزشمندشان مطلع نمایند تا در چاپ‌های بعدی کتاب اصلاحات لازم صورت پذیرند.
۵. در برخی فصل‌ها، به ویژه فصل هفتم که درباره حواس بویایی، چشایی، درد و غیره است، وضع کردن معادل فارسی برای برخی از اصطلاحات شدنی نبود؛ به همین دلیل، در این موارد عیناً از اصطلاح انگلیسی، یا نوشتن تلفظ آن اصطلاح به فارسی، استفاده شد.
۶. در فهرست منابع کتاب اصلی، آدرس برخی از منابع که در متن کتاب به آنها اشاره شده، ذکر نشده بود؛ بنابراین خواننده محترم فارسی‌زبان، در صورت نیاز به این منابع، باید با توسل به نام‌ها و سال‌ها، و همین‌طور موضوع مورد بحث، آدرس منابع را از طرق دیگری مانند اینترنت بیابد.
۷. در ترجمه کتاب، جهت انتقال مفاهیم به خواننده فارسی‌زبان، تلاش فزاینده‌ای شده است. با وجود این، مترجم ادعا ندارد که ترجمه کاملاً روان و مطابق با موازین ادبی است. در صورتی که به نظر برخی از خوانندگان محترم بتوان جمله‌ها را به نحوی روان‌تر و ساده‌تر نوشت، به نحوی که به معنا لطمه‌ای وارد نیاید، از نظرهایشان استقبال می‌کنم و در صورت ارسال این نظرها خواهم کوشید که در چاپ‌های بعدی کتاب آنها را به کار گیرم.
۸. کتاب حاضر می‌تواند منبع مفیدی برای درس‌های «احساس و ادراک» در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد باشد و زمینه‌های قوی‌ای در دانشجویان برای انجام طرح‌های آزمایشی مختلف در زمینه احساس و ادراک فراهم نماید. با وجود این، مدرّسان محترم توجه داشته باشند که فهم مطالب این کتاب نیاز به دانش کافی در زمینه‌های فیزیولوژی، فیزیولوژی عصبی، روان‌شناسی فیزیولوژیک و پدیده‌های فیزیکی و شیمیایی دارد.
- یکی از مشکلات مربوط به درس «احساس و ادراک» کم بودن تعداد واحدهای درسی آن است، که به نظر می‌رسد با توجه به اولین نسخه کتاب ورنون در زمینه احساس و ادراک تعریف شده است. با توجه به اهمیت این درس، در بخش روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز تصمیم گرفته شد که این درس در قالب ۳ واحد درسی تعریف شود و یک واحد آن عملی در نظر گرفته شود. با توجه به اختیارات جدید دانشگاه‌ها برای برنامه‌ریزی درسی، گروه‌های تخصصی روان‌شناسی می‌توانند در زمینه تعداد واحد این درس نیز تجدیدنظر کنند.
- یکی از مشکلات مدرّسان درس «احساس و ادراک» تهیه تصاویر مورد نیاز برای تدریس این درس است. با تلاشی که به عمل آمده است، تمامی تصاویر کتاب در قالب نرم‌افزار پاورپوینت تهیه شده است که در اختیار مؤلف این کتاب می‌باشد و مدرّسان محترم می‌توانند در صورت تمایل نرم‌افزار یادشده را برای استفاده در بخش خود تقاضا کنند.
- نویسندگان اصلی کتاب در مقدمه خود ذکر کرده‌اند که به لحاظ تعدد افرادی که در نوشتن کتاب مؤثر بوده‌اند آن را به

کسی تقدیم نمی‌کنند، اما من ترجمه این کتاب را به همسر مهربانم شهلا فهدپور و دو فرزند عزیزم مسعود و ملینا تقدیم می‌کنم که بخش اعظم زمان لازم برای ترجمه کتاب را از وقتی صرف کردم که باید با آنان سپری می‌کردم. اگر همکاری و تحمل آنها نمی‌بود ترجمه این اثر امکان‌پذیر نبود. در بازخوانی کتاب بسیاری از دانشجویان مرا یاری کردند و موارد مبهم و جاافتادگی‌ها را متذکر شدند. دانشجویان درس «احساس و ادراک» نیز با طرح سؤالاتی در کلاس، مرا وامی‌داشتند که در ترجمه مفاهیم دقیق‌تر عمل کنم و جمله‌ها را به زبان ساده‌تر بنویسم. ذکر نام همه این عزیزان در این یادداشت میسر نیست و در اینجا تشکر و قدردانی خود را از پیشنهادها و نظرهای سازنده همه آنها اعلام می‌دارم. در پایان، بر خود لازم می‌دانم که از مدیر محترم امور پژوهشی و آقای دکتر احمدی، مدیر کل محترم سازمان مطالعه و تدوین کتابهای علوم انسانی دانشگاه‌ها برای پذیرفتن مسئولیت چاپ کتاب تشکر و قدردانی کنم و از زحمات تمامی دست‌اندرکاران نشر این کتاب به لحاظ زحمت فراوانی که در چاپ این کتاب متقبل شده‌اند سپاس‌گزاری کنم.

دکتر محمدعلی گودرزی

مقدمه نویسنده

اصولاً هر آنچه دربارهٔ دنیای پیرامونمان می‌دانیم، به گونه‌ای از طریق حواسمان وارد ذهنمان شده است. همه ما می‌دانیم که اگر برخی از حس‌ها را نداشتیم، تجربیاتمان به طور چشمگیری محدود می‌شد. در نظر بگیرید که توضیح دادن تفاوت بین دو رنگ آبی و سبز برای فردی که نابینا به دنیا آمده است، غیر ممکن است. به همین ترتیب است توضیح دادن تفاوت میان مزه شکلات و وانیل برای فردی که فاقد جوانه‌های چشایی است. این افراد هرگز جنبه‌های یادشدهٔ زندگی را تجربه نکرده‌اند. برای فرد نابینا، نمک و فلفل تنها از لحاظ مزه با هم فرق می‌کنند. برای فرد فاقد حس چشایی، فلفل و نمک تنها به لحاظ رنگ و ساختار با هم فرق می‌کنند. برای افرادی که حواس دیداری، شنیداری، چشایی، لامسه و بویایی دارند، جهان مرکب از جریان مستمر ادراکاتی است که در حال تغییرند. هر دریافت حسی جدیدی با خود اطلاعاتی را در مورد دنیا حمل می‌کند.

این کتاب مقدمه‌ای را برای مطالعهٔ دریافت حسی و ادراک فراهم می‌کند. این نوبت چاپ (چاپ ششم) نه تنها به انتشارات جدیدی سپرده شده است، بلکه، در مقایسه با چاپ پنجم در سازماندهی مطالب هم به طور اساسی تجدید نظر شده است. نخست اینکه، متن کتاب با درج نتایج بیش از ۶۰۰ تحقیق جدید به روز شده است، و معتقدیم که این امر باعث شده است که کتاب حاضر به روزترین کتاب در دسترس در این سطح شود. این تغییرات دربردارندهٔ بسیاری از یافته‌های جدید است که پس از چاپ پنجم به دست آمد، یا اینکه آنها را در الگوهای معنی‌داری سازمان داده است. علاوه بر این، در این کتاب، با مطرح شدن روش‌شناسی‌های پیشرفته، مانند روش‌های مختلف عکس‌برداری مغزی، دیدگاه‌های نوینی در بحث دریافت حسی و ادراک فراهم شده است.

به منظور افزایش خوانایی کتاب، مطالب خلاصه‌شده‌تر و ساده‌تر و مؤثرتر نوشته شده‌اند. همهٔ فصل‌ها بازنویسی شده‌اند و در بعضی از بخش‌ها تجدیدنظر اساسی شده است. ساختار و سازماندهی کلی چاپ پنجم کتاب حفظ شده است، به طوری که کتاب برای خوانندگان چاپ قبلی آشنا باشد، هر چند که فصل‌های جدیدی اضافه شده‌اند و تعداد فصل‌ها به شانزده فصل کاهش یافته است. این امر مستلزم سازماندهی دوبارهٔ مطالبی بود که عرضه می‌کنیم، به طوری که اکنون رنگ و درخشندگی در یک فصل ادغام شده‌اند و موسیقی و گفتار در فصل شنوایی گنجانده شده‌اند. دو فصل جدید «الگوها و لبه‌ها» و «ادراک شیء و صحنه» را اضافه کرده‌ایم. این فصل‌ها بیانگر جهات و تأکیدات نوینی‌اند که در رشتهٔ ادراک در حال پدیدار شدن هستند.

همچنین، آن دسته از ویژگی‌های چاپ پنجم کتاب را که مدرسان احساس می‌کردند که ابزارهای خوبی برای آموزش فراهم کرده‌اند حفظ کردیم. برای مثال، در سرتاسر متن از مثال‌هایی استفاده می‌شود که مطالب مورد بحث را به صورت زنده و عملی برای دانشجویان مطرح کنند. هرگاه میسر بوده است، نمونه‌های رایج یا طبیعی پدیده‌های ادراکی را ضمن بحث در مورد مفاهیم زیرساز آنها مطرح کرده‌ایم. در پایان هر فصل هم سؤالاتی را برای مطالعه اضافه کرده‌ایم.

یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب درج بیش از ۱۰۰ کادر آزمایشی در آن است. هر کادر آزمایشی، آزمایش ساده‌ای را طراحی می‌کند که برای دانشجویان امکان تجربهٔ بسیاری از پدیده‌های ادراکی توصیف شده در متن را فراهم می‌کند. در بیشتر این آزمایش‌ها، تنها محرک‌های ارائه شده در کادر آزمایشی یا اقلامی لازم‌اند که در صندوق‌خانهٔ بیشتر خانه‌ها یافت می‌شود. تدارک بیشتر این آزمایش‌ها فقط چند دقیقه وقت می‌گیرد و فکر می‌کنیم که صرف وقت در این زمینه به فهم مفاهیم مورد بحث کمک می‌کند و دانشجویان را علاقه‌مند نگه می‌دارد. بعضی از استادان گزارش می‌دهند که انجام دادن آزمایش‌ها در

کلاس درس بسیار مفید بوده است. در چنین مواردی، می‌توان آزمایش‌ها را نکته اصلی بحث کلاسی در نظر گرفت. همچنین، چهار کادر آزمایشی خاص وجود دارند که به دانشجویان امکان می‌دهند بدون نیاز به استفاده از تجهیزات خاصی توانایی‌های حسی‌شان را وارسی کنند: پرسش‌نامه غربال‌نقیصه رنگ‌بینی در فصل چهارم، پرسش‌نامه غربالگری تیزبینی در فصل هشتم، و مقیاس غربالگری سه‌بعدی‌نما در فصل نهم. این آزمون‌ها از لحاظ رفتاری اعتباریابی شده‌اند و امکان آزمون این توانایی‌ها را فراهم می‌کنند و ممکن است استفاده از آنها در طرح‌های تحقیقی مختلف مفید باشد. علاوه بر این، این آزمون‌ها اطلاعات مفیدی را برای دانشجویان در مورد توانایی‌های حسی‌شان فراهم می‌کنند.

این کتاب مطالبی را پوشش می‌دهد که به طور کلی مقوله‌های «دریافت حسی و ادراک» را دربر می‌گیرند. خواننده در خواهد یافت که بر هیچ نظریه واحدی در مورد ادراک تأکید نکرده‌ایم. به طور کلی، کوشیده‌ایم تا حد امکان التقاطی عمل کنیم و دیدگاه‌های مختلف را در حوزه‌های مورد مناقشه مطرح نماییم و تلاش کرده‌ایم که دیدگاه متعادل را مطرح کنیم، به طوری که مدرسان با دیدگاه‌های مختلف در استفاده از کتاب احساس راحتی کنند.

برای اینکه حجم کتاب زیاد نشود، در برخی موارد دست به انتخاب مطالب زده‌ایم. نخستین اولویت ما این بوده است که مفاهیم اصلی را در مورد هر عنوان به اندازه کافی توضیح دهیم تا متنی منسجم و به هم پیوسته ارائه دهیم. اگر هدف ما این بود که از تمام عنوان‌هایی بحث کنیم که زیر چتر دریافت حسی و ادراک قرار می‌گیرند، در آن صورت تنها فهرست لغتی داشتیم که عنوان‌ها را به صورت سطحی پوشش می‌داد. این کار برای ما پذیرفتنی نبود.

هر فصل طوری نوشته شده است که از دیگر فصل‌ها مستقل است و برای فهم آن نیازی به فصل‌های دیگر نیست. وقتی چنین کاری میسر نبود، مانند وقتی که مطالبی از فصل‌های دیگر در یک فصل مورد بحث قرار می‌گیرند، به محل درج آن اطلاعات در متن اشاره شده است. تدوین این ساختار برای آن است که مدرسان بیشترین انعطاف‌پذیری را در ارائه توالی فصل‌ها داشته باشند. با تغییر توالی فصل‌ها، مدرسان می‌توانند بر جهت‌گیری خود تأکید ورزند. به طور کلی، هفت فصل اول کتاب معمولاً مطالبی را پوشش می‌دهند که تحت عنوان «دریافت حسی» قرار می‌گیرند، و از فصل هفتم به بعد مطالبی به بحث گذاشته می‌شوند که تحت عنوان «ادراک» قرار می‌گیرند. با وجود این، چنین تفکیکی در سرتاسر کتاب مبهم است، همان‌طور که در خود این رشته چنین ابهامی وجود دارد. بنابراین، بین دو نیمه کتاب هم‌پوشی وجود دارد.

بالاخره، خواننده ممکن است توجه کند که کتاب به فرد خاصی تقدیم نشده است. این بدین مفهوم نیست که نمی‌خواهیم کتاب را به فرد خاصی تقدیم کنیم، بلکه به این دلیل است که در زندگی شخصی و حرفه‌ای ما افراد بسیاری برایمان اهمیت داشته‌اند. شاید بهتر باشد که کتاب را به محققانی اهدا کنیم که دانش مورد بحث در این کتاب را فراهم کرده‌اند و به محققانی که در آینده شناخت بیشتری را در مباحث دریافت حسی و ادراک فراهم می‌کنند تا نویسندگان آینده آن مطالب را جمع‌آوری و مرور و در آنها تعمق و تدبّر کنند.

اس. کورن

ال. ام. وارد

جی. تی. انز